

یادداشت

جنگ سرد امریکا و چین در تنگه پاناما

■ **جعفر صارمی***

پاناما، کشوری که اقتصادش با بن‌بند تجارت آزاد گره خورده است، سرانجام زیر سایه سنگین و فشارهای بی‌امان واشینگتن تاب نیاورد و تسلیم شد. در اقدامی بی‌سابقه و حیرت‌انگیز که نشان‌دهنده اوج فشارهای سیاسی ایالات متحده در نیمکره غربی است، دولت پاناما زیر تعهد کلان و راهبردی خود با پکن زد.

لغو ناگهانی و یک‌ظرفه امتیاز ۳۰ساله بهره‌برداری از بسک پایانه کانالتیری کلیدی و فوق‌استراتژیک در اختیار یک کنسرسیوم عظیم چینی بود، تنها یک اتفاق ساده تجاری نبود؛ این اقدام یک زلزله دیپلماتیک تمام‌عیار ایجاد کرد. مقامات امریکایی با ارسال هیئت‌های بلندپایه، ارائه پرونده‌های اطلاعاتی و هشدارهای پیاپی درباره خطرات امنیتی واگذاری زیرساخت‌های حیاتی، عرصه را بر مقامات پاناما تنگ کرده بودند.

بااین‌لغو قرارداد، ارائه برنامه که روزگاری تنهانماد اتصال اقیانوس‌ها و تسهیل تجارت بود، رسماً به میدان مین رویارویی اقتصادی و ژئوپلیتیک میان دو ابرقدرت جهان تبدیل شد. این تصمیم هراس آور، موجی از تنش‌های زنجیره‌ای را به راه انداخته که پس‌لرزه‌های آن، از بازارهای مالی گرفته تا سراسر زنجیره تأمین کالای جهانی را با بحران و نااطمینانی شدید مواجه کرده است.

■ **واکنش تلافی‌جویانه چین**

اقدام دولت پاناما در مصادره تأسیسات و لغواین قرارداد بلندمدت ددلاری، با واکنش تند، فوری و عملیاتی پکن روبه‌رو شد. دیپلمات‌های ارشد چین با احضار مقامات پانامایی، این اقدام را نقض آشکار و غیرقابل توجیه حقوق بین‌الملل و قراردادهای دو جانبه خواندند و صراحتاً در بیانیه‌هایی هشدار دادند که هزینه این پیمان شکنی و تسلیم شدن در برابر اراده واشینگتن برای پاناما به هیچ‌وجه «صفر نخواهد بود.»

پکن برای اثبات جدید خود در دفاع از منافع اقتصادی‌اش، منتظر نماند؛ به عنوان اولین ضربه شست تلافی‌جویانه و فلج‌کننده، تنها در ماه مارس گذشته، ۹۱ کشتی تجاری غول‌پیکر با پرچم پاناما در بنادر مختلف چین متوقف شدند. بیانیه‌هایی نظیر بازرسی‌های سختگیرانه گمرکی، نقض مدارک و بازربینی‌های طولانی مدت فنی، باعث شد تا این کشتی‌ها زمین گیر شوند؛ آماری که یک جهش بی‌سابقه محسوب می‌شود و میلیون‌ها دلار خسارت روزانه برای ناوگان تجاری وابسته به پاناما به همراه داشته است.

همزمان با این تقابل دیپلماتیک و اقتصادی، اوضاع در خود آبراه نیز به شدت وخیم و ملتهب‌است. تشدید بازرسی‌های امنیتی از سوی مقامات پاناما که مستقیماً تحت تدابیر نظارتی جدید و پروتکل‌های توصیه‌شده از سوی نهادهای امریکایی انجام می‌شود، روند عبور و مرور را به شدت کند کرده و زمان ترانزیت کشتی‌ها را تا ۳۰درصد افزایش داده است.

محملوها اکنون باید از چندین لایه امنیتی و بررسی‌های موشکافانه عبور کنند. وقتی این گره‌های امنیتی و سخت‌گیری‌های بی‌سابقه، با بحران‌های ویرانگر زیست‌محیطی نظیر خشکسالی بی‌سابقه و افت شدید سطح آب در دریاچه گاتون (مخزن اصلی تأمین آب برای بالابراهی کانال) ترکیب می‌شود، نتیجه آن ایجاد یک ترافیک فلج‌کننده و صف‌های طولانی از دهها کشتی باربری در دهانه‌های ورودی کانال است. این فاجعه در یکی از مهم‌ترین شریان‌های تجارت دریایی جهان در حال رخ دادن است؛ گذرگاهی حیاتی که سالانه بیش از ۱۴هزار کشتی کشتی تجاری از آن عبور کرده و به تنهایی بار جابه‌جایی حدود ۶درصد از کل تجارت دریایی جهان را به دوش می‌کشد. اکنون این شریان حیاتی زیر بار سنگین رقابت ابرقدرت‌ها و قهر طبیعت در حال خفگی است.

■ **چرا امریکای کانال را حیاتی می‌داند؟**

برای درک وحشت واشینگتن از حضور چین در این منطقه، باید به بیش از یک قرن پیش بازگشت. ایده ساختن این کانال برای امریکا نه یک پروژه اقتصادی، بلکه یک ضرورت قطعی برای امنیت بود. در جریان جنگ اسپانیا و آمریکا در سال ۱۸۹۸، ناو جنگی امریکایی برای رسیدن به دریای کارائیب مجبور شد یک سفر پرخطر و طولانی ۶۷ روزه را به دور قاره امریکای جنوبی طی کند. این تأخیر خطرناک باعث شد تا امریکا با تمام



قوا مداخله در منطقه را کلید برند.

در سال ۱۹۰۳، واشینگتن با مهندسی و تأمین مالی یک شورش همه‌جانبه علیه دولت کلمبیا، زمینه را برای استقلال پاناما فراهم کرد. یک مهندس فرانسوی با حمایت واشینگتن و توزیع حدود ۱۰۰هزار دلار رشوه میان فرماندهان ارتش کلمبیا، جدایی را رهبری کرد. با حضور تهدیدآمیز ناوگان دریایی امریکا برای بازدارندگی، پاناما در ۳نوامبر ۱۹۰۳اعلام استقلال کرد و در رکوردی عجیب، تنها سه روز بعد از سوی امریکا به رسمیت شناخته شد تا راه برای احداث کانال هموار شود.

■ **خروج تاریخی و خشم محافظه‌کاران امریکایی**

با امضای معاهدات تورخوس- کازتر، مدیریت کانال سسرانجام در پایان سال ۱۹۹۹ میلادی به طور کامل به دولت پاناما واگذار شد. این عقب‌نشینی همواره زخمی باز برای سیاستمداران امریکایی بوده است. چهره‌هایی نظیر دونالد ترامپ بارها این توافق را «حماقانه» خوانده و با انتقاد شدید از دولت‌های پیشین مدعی شده‌اند که امریکاییان گلوگاه استراتژیک را «به قیمت یک دلار» واگذار کرده و با دستن‌خود بزرگ‌ترین شکست امنیتی در نیمکره غربی را رقم زده است.

■ **چگونه چین جای خالی امریکا را پر کرد؟**

دقیقاً در همین خلأقدرت بود که پکن با استراتژی اقتصادمحور خود وارد میدان شد. از سال ۱۹۹۷، شرکت‌های چینی مدیریت بنادر کلیدی در دو سوی کانال را در دست گرفتند. نقطه عطف این نفوذ در سال ۲۰۱۷ رقم خورد؛ زمانی که پاناما در یک چرخش دیپلماتیک بزرگ، روابط تاریخی خود را با تایوان قطع کرد و جمهوری خلق چین را به رسمیت شناخت. پاناما به عنوان اولین کشور امریکای لاتین به طرح عظیم زیرساختی چین پیوست و به سرعت به قطب اصلی توزیع کالاهای چینی در قاره امریکا تبدیل شد. پکن در یک استراتژی کلان‌نگر، پاناما را در کنار کشورهایی مانند ایران به عنوان گره‌های حیاتی در شبکه تجارت جهانی خود تعریف کرده است، در حالی که ایران نقش شاهراه ترانزیت خشکی و اتصال اوریسار را ایفا می‌کند، پاناما به عنوان دروازه استراتژیک دریایی عمل کرده و به چین در کاهش وابستگی به مسیرهای تحت کنترل نیروی دریایی امریکا کمک شایانی می‌کند.

■ **بن‌بست حقوقی و رویارویی تمام‌عیار**

گسترش بی‌وقفه نفوذ چین و توسعه زیرساخت‌های فنواری مانند شبکه‌های ارتباطی نسل پنجم، رنگ خطر را در واشینگتن به صدا درآورد. مقامات امریکایی این سرمایه‌گذاری‌ها را دارای کاربرد دوگانه نظامی- غیرنظامی دانسته و آن را حیاتی تهدیدات علیه دکترین مونرو ارزیابی می‌کنند، اما دست امریکا برای مداخله نظامی بسته است. طبق «معاهده بی‌طرفی»، واشینگتن تنها در صورتی حق دخالت نظامی دارد که امنیت و بی‌طرفی خود آبراه به خطر بیفتد، نه زمانی که پاناما وارد شراکت‌های اقتصادی می‌شود. همین محدودیت حقوقی باعث شد تا ایالات متحده به جای گزینه نظامی، به اهرم‌های فشار سنگین دیپلماتیک، هشدارهای پیاپی درباره تله بدهی و تحریم‌های پنهان اقتصادی روی بیابورد تا دولت پاناما مجبور به لغو قرارداد با چین کند.

ایالات متحده و متحدانش در حوزه کارائیب، اقدامات تلافی‌جویانه اخیر چین در توقیف کشتی‌ها را تاش برای سیاسی‌سازی تجارت دریایی خوانده و محکوم کرده‌اند. با این حال، لغو قرارداد ۳۰ساله تنها نشان داد که دوران رقابت پنهان به سر آمده است. کانال پاناما دیگر تنها یک شگفتی مهندسی نیست؛ این آبراه اکنون شاهرگ تهدیدهای است که هرگونه انسداد سیاسی در آن، می‌تواند به یک سکنه کامل در اقتصاد جهانی منجر شود.

■ **پژوهشگر اقتصادی**

گزارش یک

سعیده زمانی

مستأجران در روزهای جنگ تحمیلی سوم، تازه‌ترین مصوبه سیاستگذار در راستای حمایت از مستأجران است و این اقدام اگر چه دنده کمی به مستأجران برای عبور از سر بالایی قیمت‌ها محسوب می‌شود، اما ضروری است تا در کنار اقدامات حمایتی نظیر وام ودیعه و تعیین سقف اجاره‌ها و... تورم عمومی نیز مهار شود. ■ ■ ■

سیاستگذار اخیراً مصوبه‌ای ویژه برای بازار اجاره مسکن و نحوه مواجهه موجر و مستأجر با اجاره‌نامه‌هایی که تاریخ سررسید آنها در ایام جنگ

۴۰ روزه و همچنین دوره فعلی، یعنی زمان سکوت نظامی بوده، تعیین کرده است و مطلق آن که سامانه اطلاع‌رسانی مشاوران املاک متن آن رامنشر کرده است، «تمامی قراردادهای اجاره مسکن و واحدهای صنفی که مهلت انقضای آنها در زمان جنگ دشمن

امریکایی- صهیونی به اتمام می‌رسد، حداکثر به مدت دو ماه پس از انقضای مهلت قرارداد به‌صورت خودکار تمدید می‌شوند.»
به موصوبه از ابتدای جنگ ۴۰ روزه قابل اعمال است و تا زمان اعلام رسمی پایان جنگ (در شرایط فعلی آتش‌بس) ادامه دارد. طبق این مصوبه، امکان افزایش مبلغ توسط موجر در این مدت وجود ندارد. آن‌گونه که بررسی‌ها نشان می‌دهد، این مصوبه محدود به تهران نبوده و در کل کشور لازم‌الاجراست.

وزارت راه و شهرسازی موظف است سازو کار تمدید خودکار را در سامانه خودنویس فراهم کند. همچنین سازمان تعزیرات حکومتی و مراجع قضایی مسئول حسن اجرا و رسیدگی به شکایات هستند. پس از پایان این مهلت دو ماهه، هر گونه تمدید یا انعقاد قرارداد جدید تابع ضوابط و مقررات جاری خواهد بود و دیگر به‌صورت خودکار نخواهد بود.

■ **آرامش نسبی مستأجران با تمدید ۲ماهه**

کارشناسان ابلاغ این مصوبه در شرایط فعلی تورم اقدامی مثبت ارزیابی می‌کنند. اگرچه براساس آخرین گزارش شاخص قیمت مصرف‌کننده در فروردین سال جاری، تورم اجاره‌ها در مقایسه با سایر گروه‌های کالایی و خدماتی کمترین میزان را ثبت کرده و نرخ تورم ماهانه آن به ۱/۶درصد رسیده است، اما کارشناسان اقتصاد مسکن معتقدند این کاهش به‌معنای ارزانی اجاره نیست، بلکه صرف‌افز شدت شیب افزایش قیمت‌ها کاسته شده است.

بررسی فایل‌های مسکن نشانی می‌دهد متوسط قیمت اعلام همسا در مناطق جنوبی حدود ۸۰۰ پول پیش و تا ۱۵ و ۱۸ میلیون تومان اجاره است که هزینه‌های مستأجران را سنگین کرده است.

در این رابطه عبدالجلال ایری، سخنگوی کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی می‌گوید: در حالی است حاضر مسکن حدود ۵۰درصد مساحت خلتوار را به خود اختصاص داده و افزایش قیمت مسکن او دچار افت فشار سنگینی به مستأجران وارد کرده است، موضوعی که از نگاه کمیسیون عمران مجلس به هیچ عنوان قابل قبول نیست.

او تمدید خودکار قرارداد اجاره مستأجران در روزهای جنگ را البته اقدامی مثبت ارزیابی کرده و می‌گوید: یکی از اقدامات مطلوب اخیر، تمدید خودکار اجاره‌بهای مستأجرانی بود که در ایام جنگ

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰۰۸۸۵۳۳

واکاوای جزئیات تمدید خودکار قرارداد اجاره مستأجران در روزهای سخت جنگ تحمیلی سوم

تزیق آرامشی به بازار مسکن باٴمسکن تمدید قرارداد اجاره



دستمزد، عوارض و سایر هزینه‌های جانبی مربوط می‌شود.

ایری درباره بهانه مطرح‌شدن حملات اخیر به کارخانه‌های فولادی به‌عنوان عامل گرانی مصالح ساختمانی نیز می‌گوید: متأسفانه برخی سوداگران در ادامه با انتقاد از جهش قیمت مسکن در ماه‌های اخیر می‌گویند: متأسفانه آنچه امروز در کف بازار مشاهده می‌شود، افزایش قیمت‌های پیشنهادی نسبت به شش ماه گذشته است، این در حالی است

که هیچ آمار رسمی، دقیق و شفافی از سوی مراجع ذی‌صلاح منتشر نشده و عملاً بازار مسکن در وضعیت رهاشدگی قرار دارد.

او با تأکید بر اینکه ارتباط منطقی میان قیمت مصالح ساختمانی و قیمت تمام‌شده مسکن وجود ندارد، می‌افزاید: براساس برآوردهای کارشناسی، سهم مصالح ساختمانی در قیمت نهایی مسکن در کلان‌شهری مانند تهران حداکثر ۱۰درصد است و حدود ۹۰درصد باقی‌مانده به هزینه زمین،

د

تعیین سقف اجاره‌بها، وام ودیعه مسکن، تمدید اجاره‌بها به صورت خودکار در شرایط خاص و... اگر چه می‌تواند به صورت موقت و تا حدودی کارساز باشد، اما به طور کل کنترل تورم عمومی و همچنین ثبات قیمت مسکن است که می‌تواند رشد منطقی اجاره‌بها را تضمین کند

ساختمانی مانند آهن‌آلات توسط سودجویان داخلی است. فقدان نظارت دقیق بر بازار و عملکرد ضعیف دستگاه‌های متولی و اتحادیه‌ها، فضا را برای دلالتن فراهم کرده تا قیمت‌ها را به صورت کاذب بالا ببرند.

او با بیان اینکه شلباعی مبنی بر رسیدن هزینه ساخت به متری حدود ۵۰ میلیون تومان، اقدامی حساب‌شده برای برهم زدن آرامش روانی جامعه است، می‌افزاید: این فضاسازی‌ها باعث می‌شود برخی افراد نیز برای عقب نماندن از بازار، به این گرانی‌ها دامن بزنند. ادعای تأثیر چشمگیر کمبود یا گرانی فولاد غیر واقعی است، چرا که امروزه اسکلت بسیاری از ساختمان‌ها بتنی است و سهم اقلام مرتبط با پترو شیمی در ساخت‌وساز نیز نهایتاً ۲۵درصد است و سایر نهادهای داخلی تغییر قیمتی خاصی نداشته‌ام.

این نماینده مجلس دوازدهم تصریح می‌کند: باید توجه داشت که بیش از ۶۰درصد قیمت نهایی مسکن مربوط به ارزش زمین است و هزینه مرتبط با ساخت تنها حدود ۴۰درصد آن را شامل می‌شود؛ بنابراین، توجیه افزایش ۷۰ تا ۸۰درصدی قیمت مسکن به بهانه گرانی مصالح، کاملاً غیر منطقی است. اگر چه افزایش ۳۰درصدی هزینه‌های حمل‌ونقل واقعیت دارد، اما در صورت نیاز به تأمین مصالح، امکان واردات از مبادی جایگزین مانند بنادر شمالی، کرکدور ترکیه، ارمنستان و مسیر ریلی تا چین وجود دارد.

نویسن با تأکید بر لزوم ورود جدی وزیر راه و شهرسازی و دولت برای کنترل بازار مصالح می‌گوید: همان‌طور که رئیس مجلس شورای اسلامی نیز اشاره داشتند، امروز نیاز مندا احیای روحیه جهادی و استفاده از

ظرفیت‌های مردمی و بسیج برای نظارت و توزیع عادلانه، مشابه الگوهای موفق دهه ۶۰ هستیم. بخش خصوصی نیز می‌تواند در زمینه واردات و توزیع، کمک شایانی به دولت داشته باشد. وی عرضه زمین‌را مهم‌ترین اقدام برای ساماندهی مسکن عنوان کرد.

■ **کنترل تورم عمومی، رشد منطقی اجاره‌بها را تضمین می‌کند**

در مجموع اقداماتی همانند تعیین سقف اجاره‌بها، وام‌ودیعه مسکن، تمدید اجاره‌بها به صورت خودکار و شرایط خاص و... اگر چه می‌تواند به صورت موقت و تا حدودی کارساز باشد، اما به طور کل کنترل تورم عمومی و همچنین ثبات قیمت مسکن است که می‌تواند رشد منطقی اجاره‌بها را تضمین کند. بدون انجام این مهم از نسوی سیاستگذار و همچنین به دلیل کمبود نظارت بر انجام مصوبات قانونی، عموماً تمامی موجران همراهی لازم را برای اجرای مصوبات قانونی نخواهند داشت.

در این پروژه‌های انبوه‌سازی می‌تواند از افزایش هزینه‌های تمام‌شده جلوگیری و عرضه را افزایش دهد.

راهکار دیگر، ایجاد سازوکار تأمین مصالح ساختمانی با نرخ ارز ترجیحی است تا سازندگان را در برابر افزایش هزینه‌ها حمایت کند. مسئله مهم دیگر، افزایش نظارت مؤثر برای مقابله با احتکار، سوداگری و قیمت‌سازی کاذب است. در همین ارتباط عضو کمیسیون عمران مجلس با انتقاد از چولان‌محترکان و ضعف نظارت در بازار مصالح ساختمانی، افزایش نجومی قیمت مسکن را نتیجه جنگ روانی دشمن و سودجویی دلالت دانست و بر ضرورت ورود جدی دولت و عرضه فوری زمین برای تنظیم بازار تأکید کرد.

علیرضا نوین با اشاره به شایعات مطرح‌شده پیرامون افزایش چشمگیر هزینه ساخت مسکن می‌گوید: بخشی از التهابات امروز بازار ناشی از جنگ روانی دشمن و بخش دیگر حاصل احتکار مصالح

فرار روبه جلوی بانک مرکزی برای پرداخت نکردن وام‌های حمایتی مددجویان نهادهای حمایتی

سنگ اندازی شبکه بانکی در مسیر اشتغالزایی مددجویان

مهرداد گودرزوند چگینی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس: در جلسات نظارتی پیگیر وام‌های حمایتی مددجویان نهادهای حمایتی هستیم

نشان می‌دهد که منابع بانکی، اگر به درستی هدم‌فند شوند، می‌توانند همزمان چندین مشکل را حل کنند. وام اشتغال مددجویان، برخلاف بسیاری از تسهیلات بانکی که به سوداگری و مصرف غیرمولد می‌روند، مستقیماً به تولید گره خورده است. وقتی یک مددجو وام اشتغال می‌گیرد و نیروگاه خورشیدی نصب می‌کند، هم خودش در آمد پایدار کسب می‌کند و هم کشور از برق تولیدی بهره‌مند می‌شود.

■ **سه‌همیه وام اشتغال مددجویان به استان‌ها و تخصیص‌ها را پیگیری می‌کنیم**

در همین رابطه، مهرداد گودرزوند چگینی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به اهمیت تسهیلات اشتغال‌زایی برای اشتغال‌نیازمندان و مددجویان و همچنین پیگیری‌های مجلس در خصوص میزان و ابلاغ سه‌همیه این وام از سوی بانک مرکزی به بانک‌های سراسر کشور اظهار کرد: هر ساله در بودجه کشور، چه برای دستگاه‌هایی مانند کمیته امداد و بهزیستی و چه در سطح کلان برای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، منابعی در مسیر اشتغال اختصاص پیدا می‌کند و

این موضوع برای کشور بسیار مهم است.

وی افزود: با توجه به شرایط اخیر کشور، هنوز آن‌طور که باید این اتفاق به‌صورت کامل محقق نشده، اما کمیسیون برنامه و بودجه در جلسات نظارتی خود پیگیری این موضوع است. هفته گذشته بررسی عملکرد بودجه ۱۴۰۴ و نظارت بر بودجه ۱۴۰۵ در دستور کار بود و این جلسات با حضور رئیس سازمان برنامه و بودجه، خزانه‌داری و دیوان محاسبات ادامه دارد.

این نماینده مجلس تأکید کرد: بخشی از ابلاغ بودجه مرتبط با وام‌های اشتغال انجام شده و به دستگاه‌ها ارسال شده است، اما مسئله مهم، تخصیص واقعی منابع و رسیدن آن به دست متقاضیان است. سهم هر استان و شهرستان باید مشخص شود و ما این موضوع را به‌صورت جدی پیگیری خواهیم کرد. گودرزوی خاطر نشان کرد: بخشی از این تسهیلات در حوزه مشاغل کوچک و حتی توسعه پتل‌های خورشیدی هزینه می‌شود که هم به اشتغال مردم کمک می‌کند و هم می‌تواند در شرایط فعلی به صنعت برق کشور کمک کند.



زیرا بانک مرکزی هر ساله روند ابلاغ سه‌همیه‌ها را تا پاییز

همان سسال به تأخیر می‌اندازد و موجب از بین رفتن ارزش وام اشتغال مددجویان می‌شود. در همین راستا، مجلس نیز به عنوان نهاد اصلی ناظر بر اجرای بخش‌های مختلف قانون بودجه ۱۴۰۵، پیگیری اصلی خود را در بخش حمایت از مددجویان نهادهای حمایتی پیرامون بحث پیگیری از بانک مرکزی در جهت ابلاغ هر چه سریع‌تر سه‌همیه و اعتبارات هر بانک قرار داده است.

دومین دلیل اهمیت تعیین سه‌همیه وام اشتغال مددجویان، ارتباط مستقیم آن با امنیت ملی و بازدارندگی کشور در برابر تهدیدات دشمن است. در شرایط جنگ‌کشور و تهدید هدف قرار گرفتن زیرساخت‌های تولید برق نیروگاهی کشور، پرداخت وام اشتغال به مددجویان و به کارگیری آن

در طرح‌های تولید برق خورشیدی پراکنده در مزرعه‌های خورشیدی اقصی نقاط کشور، راهبردی کلیدی در افزایش بازدارندگی ایران در جنگ با دشمن صهیونیستی- امریکایی است. این موضوع نشان‌دهنده آن است که حمایت از